

پیش از تاریخ

کریس گاسدن

ترجمه

جواد دانش آرا



فرهنگ معاصر

تهران ۱۳۹۶

دانش معاصر ۱۹

زیر نظر: محمدرضا خواجه‌پور

حسین معصومی همدانی

فرهنگ معاصر
تهران، - بابان طلائقی غربی، خیابان فریمان، پلاک ۲۸
کدپستی: ۴۱۶۸۰۰۱۱ تلفن: ۵-۶۶۹۵۲۶۳۲
واحد فروش: ۶۶۴۱۷۰۱۸ فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸

Email: farhangmoaserpub@gmail.com

Website: www.farhangmoaser.com



پیش از تاریخ

کریس گاسدن

ترجمه جواد دانش‌آرا

حروف‌نگاری، طراحی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

پیش گفتار.....	هفت
مقدمه‌ای بسیار کوتاه بر گاه‌شماری.....	۱
فصل ۱: دوره پیش از تاریخ چیست و چه زمانی بوده است؟.....	۷
پایان دوره پیش از تاریخ.....	۱۵
معمای پیش از تاریخ ۱.....	۲۸
فصل ۲: مسائل پیش از تاریخ.....	۳۱
معمای پیش از تاریخ ۲.....	۴۵
فصل ۳: مهارت‌ها و تجارب انسانی.....	۴۹
انسان شدن.....	۵۹
فصل ۴: پیش از تاریخ‌های قاره‌ها.....	۷۱
همزیستی.....	۹۳
فصل ۵: ماهیت زندگی اجتماعی انسان.....	۱۱۷
پیش از تاریخ هوش انسانی.....	۱۱۸
جنس و جنسیت.....	۱۳۳
جستجوها.....	۱۴۱
معمای پیش از تاریخ ۳.....	۱۵۷

فصل ۶: پیش از تاریخ آینده ۱۵۹

پیشنهادهایی برای مطالعه بیش تر ۱۶۷

گاه شمار ۱۷۱

واژه نامه ۱۷۵

نمایه ۱۷۷

پیش‌گفتار

یادداشتی بر پیش‌ازتاریخ و باستان‌شناسی

کتاب دیگری در همین مجموعه هست به قلم پل یان با عنوان باستان‌شناسی: مقدمه‌ای بر کار باستان‌شناسی. اما در اینجا امکان دارد بعضی از خوانندگان در مورد تفاوت بین باستان‌شناسی و پیش‌ازتاریخ دچار سردرگمی شوند. باستان‌شناسی معمولاً به علمی اشاره می‌شود که از طریق یافتن، کاوش، تجزیه و تحلیل و تاریخ‌گذاری بقایای زندگی انسان‌ها می‌کوشد معنای گذشته را دریابد. باستان‌شناسی را می‌توان در مورد هر دوره‌ای، اعم از گذشته یا دوره‌های بسیار جدید، به کار برد. پیش‌ازتاریخ استانی است که راجع به دوره پیش‌از پیدایش خط بازگو می‌کنیم، گرچه همان‌طور که خواهید دید، من این اصطلاح را به معنایی کمی متفاوت به کار می‌برم. در این کتاب عمدتاً به نحوه یافتن و تاریخ‌گذاری و تحلیل مواد گذشته می‌پردازم. برخلاف آن، بلکه به داستان‌هایی می‌پردازم که در مورد گذشته می‌گوییم.

مقدمه‌ای بسیار کوتاه بر گاه‌شماری

دشمنی نوشتن مقدمه‌ای بسیار کوتاه دربارهٔ دورهٔ پیش از تاریخ این است که این دوره بسیار طولانی است. خاستگاه انسان فعلاً به شش میلیون سال پیش برمی‌گردد و این فستردهای است که چندین دورهٔ زمین‌شناختی و دوران‌های پیش از تاریخ را بر می‌برد. دورهٔ پیش از تاریخ مرتبط است با مجموعه‌ای از محوطه‌ها و دست‌سازها و چشم‌اندازهایی از گذشته‌ها که امروزه می‌کوشیم چیزی از آنها درک کنیم. برای این کار شواهد موجود را در محیط مادی و اجتماعی امروزی‌شان قرار می‌دهیم. از این به بعد، من نام‌های جاف‌افتادهٔ دوره‌های گذشته را به کار می‌برم و به امید آن‌که مورد به مورد در متن توضیح دهم، همین جا تصویری کلی از آنها ترسیم می‌کنم. بر این هر منطقه از کرهٔ زمین، گاه‌شمار بسیار مختصری هم تهیه کرده‌ام که در انتهای کتاب می‌آید.

اینجا در قلب جنوب انگلستان نشست‌ام و زیر پایم لایم‌های متوالی و شواهد باستان‌شناسی قرار دارد. در یک متر بالای خاک که در زیر و خاک زیر آن شواهدی از ده هزار سال گذشته هست که اصطلاحاً دورهٔ نوسنگی یا مزولیتیک (حدود ۸۰۰۰-۴۰۰۰ سال قبل از میلاد) نامیده می‌شود و نیای اجداد شکارگر-گردآور ماست که در اوضاع آب‌وهوایی جدید زمین زندگی می‌کردند. سپس می‌رسیم به دورهٔ نوسنگی یا نئولیتیک (حدود ۴۰۰۰-۱۸۰۰ ق.م.) یعنی زمان اولین کشاورزان؛ بعد عصر مفرغ (حدود ۱۸۰۰-۸۰۰ ق.م.) که بشر برای اولین بار از فلزات استفاده گسترده کرد؛ و سرانجام عصر آهن

(۸۰۰ ق.م. تا ۴۳ پس از میلاد) یعنی پایان دوره پیش از تاریخ. دوره قدیمی تر از ۱۰۰۰۰ سال پیش را پارینه سنگی یا پالئولیتیک می نامیم که تا ابتدای ظهور اجداد مستقیم انسان را شامل می شود. دو میلیون سال اخیر دوران سرد و گرم شدن های متناوب کره زمین است که عموماً به نام عصر یخبندان شناخته می شود. شواهد این دوره در میان شن های رودخانه ها و رسوبات غاها پیدا شده و همچنان که در فصل بعد خواهیم دید، اینها موارد نسبتاً نادری است از لایه های قدیمی. فعلاً بر این باوریم که دوره پارینه سنگی شش میلیون سال پیش در آفریقا آغاز شد که نخستین اجداد مستقیم ما ظاهر شدند و بین ۱/۸ تا یک میلیون سال پیش به سمت اوراسیا و جنوب شرقی آسیا پراکنده شدند (نک. به تصویر ۶ تصویر تکامل انسان نماهای نخستین). قدیمی ترین شواهد به دست آمده در انگلستان قدمتی بیش از این ندارد. در این مرحله از تکامل انسان، موجودی برپایه ای که انسان است قامت یا هومو ارکتوس نامیده می شود، موجودی پهن و زرد، دارای مغزی کوچک و زندگی اجتماعی بسته و فرهنگ مادی محدود (گرچه زندگی آنها شاید آن قدر هم که از این کلمات برمی آید، یکنواخت و دلگیر نبود) است. عصری که اصطلاحاً عصر یخبندان نامیده می شود، به دو میلیون سال اخیر علق می گردد و آب و هواهای واقعاً متغیری را دربرمی گیرد، به نحوی که در شن های رودخانه زیر پاهای ما شواهدی از وجود موجوداتی سازگار با سرما (ماموت، کرگدن، پشمالو و غیره) و موجودات گرمادوست شامل انسان نماهایی که شاید زمانی در دوره های گرم در اروپا زندگی می کرده اند، یافت می شود. این نکته در مورد آخرین یخبندان که حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش آغاز شد و حدوداً در ۱۸۰۰۰ سال قبل به اوج رسید صادق نیست. بنابراین، دو دسته نژاد انسان نما همیشه در اروپا بوده است: ما، انسان هوشمند هوشمند یا هومو ساپینس ساپینس، و تاندرتال ها یا هومو تاندرتالسیس که عبارت بود از نژادی سازگار با سرما.

از بریتانیا تا میانه آسیا، که انقراضش هنوز از معماهای بزرگ است: آیا ما مستقیماً از صفحه روزگار پاکشان کردیم، یا این که به‌طور غیرمستقیم با هوش و کفایتان آنها را از میدان به در کردیم، یا شاید هم مردند چون نتوانستند با تغییر شرایط سازگار شوند؟ در اوج آخرین یخبندان، منطقه پوشیده از یخ قطب شمال تا حد رودخانه تیمز لندن پایین آمده بود و جنوب آن منطقه تُندرا و علفزارهای باز بود که همین‌طور تا منطقه مدیترانه ادامه می‌یافت. بیشتر دانا پوشیده از یخ بود و گسترش صفحات یخ در جنوب باعث پدید آمدن یخچال‌ها، یخ‌های در تاسمانی، استرالیا و آرژانتین می‌شد. چون بیشتر آب روی زمین یخ‌زده بود و چون یخ چگال‌تر از آب است، سطح دریاهای روی زمین بالا آمد. چه آن که بریتانیا به اروپا متصل شد. پاپوا-گینه نو به استرالیا، و بورتنو به شبه‌جزیره مالاکا وصل شد. در مناطق گرمسیر، خشکسالی آمد و در نتیجه، بیابان‌ها و علفزارها به گسترش یافت و در جنگل‌های بارانی خط استوا حفره‌هایی ایجاد شد. با گرم شدن آب‌وهوای زمین از ۱۴۰۰۰ سال پیش از میلاد به بعد، یخ عقب‌نشینی کرد و گیاهان، حیوانات، حشرات و پرندگان به عرض‌های جغرافیایی بالاتر هر روز گستره رفتند و بیابان‌های پیشین را دوباره تصرف کردند. زمین در زیر دریاهای که با یخ می‌آمدند ناپدید شد، بخصوص در جنوب شرقی آسیا، و به این ترتیب، جنگل‌های بارانی دائمی بیشتری به‌صورت موانع طبیعی مناطق گرمسیر درآمدند. این چرخه گرم و سرد شدن در طول دو میلیون سال گذشته چندین بار تکرار شده است.

هرچند ما فقط بخش کوچکی از داستان این زمان طولانی هستیم، به موجوداتی شبیه خودمان، یعنی انسان هوشمند هوشمند، بیش از همه علاقه‌مندیم. ما حدود ۱۲۰۰۰۰ سال پیش در آفریقا سر برآوردیم، تقریباً ۹۰۰۰۰ سال پیش به خاورمیانه و حدوداً ۷۰۰۰۰ سال پیش به شبه‌جزیره هند و ماوراء آن رسیدیم. اروپا و استرالیا حدود ۵۰۰۰۰ سال پیش به تصرف ما درآمد. استرالیا برای بار

اول بود که مسکونی می‌شد و آخرین سرزمین بزرگی که پذیرای انسان شد قاره آمریکا در ۲۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال پیش بود. پس از آن، آخرین حرکت‌های بزرگ به‌سوی جزایر صورت گرفت: جزایر دریای کارائیب و دریای مدیترانه در حدود ۶۰۰۰ سال پیش به‌طور دائمی مسکونی شدند و جزایر اقیانوس آرام از سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد به‌بعد، و مناطقی مانند ایسلند در نیمکره شمالی و نیوزیلند در نیمکره جنوبی آخرین سرزمین‌های بزرگی بودند که پای انسان به آنها رسید، تقریباً ۱۰۰۰ سال پیش.

این طرح زمانی که اصطلاحاً به آن «نظام سه عصری» می‌گویند برای فهم بهتر دوره پیش از تاریخ و عمدتاً دوره پیش از تاریخ اروپا طراحی شده است. عصر سنگ بر اساس آغاز کشاورزی به دو قسمت تقسیم می‌شود، یعنی عصر سنگ قدیم (پایه سنگی که سرودش سه تقسیم‌بندی دارد: زیرین، میانی و زبرین) و به دنبال آن، عصر سنگ جدید (نوسنگی). زمانی عقیده بر این بود که در عصر مفرغ و عصر آهن، جراح و آسایشی به جوامع کشاورزی پیچیده تبدیل شد و بشر بناهای یادبودی مانند دژهای تپه‌ای ساخت و یا اشیاء فلزی، هم برای استفاده و هم به‌جهت مبادله با مناطق سردتر، موجود آورد. این نظام سه عصری در مورد بخش اعظم اوراسیا (البته با استثنای ژاپن) به‌خوبی صدق می‌کند، هرچند در مورد جنوب شرقی آسیا هم کمی شک و ابهام است. استرالیا و اقیانوس آرام فقط اعصار سنگ را پشت‌سر گذاشته‌اند و فاز اول، اولیه با اروپایی‌ها به این سرزمین‌ها وارد شد. عصر مفرغ در آفریقا احتمالاً پس از عصر آهن فرا رسیده و قاره آمریکا فقط مس را تولید کرده و دوره مفرغ و آهن نداشته است. سه بخش قاره آمریکا که تاریخ‌های جداگانه و متفاوتی را پشت‌سر گذاشته‌اند اصطلاحات خاص خود را نیز پدید آورده‌اند که گاهی برای درک رشد و بالندگی ایالت‌ها و تمدن‌های آمریکای مرکزی و جنوبی به‌کار می‌روند (اصطلاحاتی نظیر کهن، سازنده، کلاسیک و غیره)، و یا برای توصیف

توالی‌های محلی در آمریکای شمالی (وودلند، آناسازی و غیره). از دهه ۱۹۶۰، تاریخ‌های دقیق، به‌ویژه تاریخ‌گذاری کربنی در دنیای ارقام جایی پیدا کرد و اساسی برای تعیین تطبیقی دوران پیش‌ازتاریخ کره زمین پدید آورد، تا آنجا که اکنون می‌توانیم پیرسیم در ۱۸۰۰۰ یا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد بر روی زمین چه اتفاقی در حال وقوع بوده است. تاریخ‌های دقیق همه مشکلات گاه‌شماری را برای ما حل نکرده، اما توجه ما را از زمان وقوع رخدادها به علت وقوع آنها معطوف کرده است.

تاریخ‌های دقیق نظر ما را به فرایندها هم تغییر داده است. در بسیاری مناطق زمین، در حظه می‌کنیم که انتخاب کشاورزی که زمانی تغییری ناگهانی و فاحش محسوب می‌شد غالباً در طول زمانی دراز اتفاق افتاده است. در اکثر مناطق اوراسیای شرقی، در بین ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در مناطق مختلف گوسفند، گاو، خوک، گندم جو و جو دوسر را به‌کندی و به روش‌های پیچیده پذیرفته است. چند مراره طول کشید تا برنج، که احتمالاً نخست در حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد در چین اهلی و پرورده شده بود، به ژاپن، هند و جنوب شرقی آسیا برسد. در مورد ورود ارزن و ذرت خوشه‌ای به آفریقا و ذرت و لوبیا به آمریکای شمالی و جنوبی نیز وضوح محسوس‌تری منوال بوده است. درواقع، بسیاری امروز معتقدند که منشأ کشاورزی مسئله اصلی نیست، مهم‌تر از آن، مسئله الگوی کلی و درعین حال متغیر تولید و مصرف است که هم شامل گیاهان و حیوانات می‌شود و هم ابزارهای سنگی، کوزه، سبد، سوجات و فلزات. در چند هزار سال اخیر، انسان مجموعه‌ای از دنیا‌های پیچیده بر روی خود خلق کرده که به مدد مهارت‌ها و منابع متعلق به دوران‌هایی حتی کهن‌تر از آن پدید آمده‌اند. این مسائل از حوصله مقدمه‌ای بر گاه‌شماری خارج است و آنها را در فصول بعد ذکر و بررسی خواهیم کرد.